

بررسی تطبیقی افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی در ادله اثبات دعوا در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران

محمد مولودی^۱، رسول فرهانی^۲

۱. استادیار گروه حقوق دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران
۲. کارشناس ارشد حقوق خصوصی دانشگاه بوعلی سینا، همدان، ایران

پذیرش: ۹۴/۶/۱

دریافت: ۹۳/۶/۳۰

چکیده

یکی از نتایج مهم توسعه فناوری اطلاعات، تولید و ذخیره‌سازی روزافزون اسناد و اطلاعات الکترونیکی است. با پذیرش ارزش اثباتی اسناد و اطلاعات الکترونیکی، آن‌ها به یکی از مهم‌ترین و رایج‌ترین ادله اثبات دعوا تبدیل شده‌اند. امروزه در موارد بسیاری اصحاب دعوا ناگزیرند برای اثبات ادعای خود، از این دلیل اثباتی بهره بگیرند. هنگامی که اسناد و اطلاعات الکترونیکی مربوط به دعوا در اختیار و تصرف مدعی‌علیه است، طرف دیگر (مدعی) می‌تواند افشای آن‌ها را جهت اثبات ادعای خود درخواست کند. براساس این درخواست، مدعی‌علیه مکلف است طی چهار مرحله، فرایند افشا را طی کرده، اسناد و اطلاعات الکترونیکی درخواست شده را ارائه کند. پژوهش حاضر درصدد است ضوابطی را که بر افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی حاکم است و نیز ضمانت اجرای آن را در حقوق انگلیس، آمریکا و ایران، به صورت تطبیقی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد.

واژگان کلیدی: اسناد و اطلاعات الکترونیکی، افشا، دلیل، دعوا، اثبات

E-mail: mohammad.molodi@yahoo.com

* نویسنده مسؤول مقاله:



۱. مقدمه

در یک دادرسی مدنی، مدعی باید از طریق دلایلی که در قانون به رسمیت شناخته شده‌اند حق مورد ادعای خود را به اثبات برساند؛ زیرا حقی که ادعا شود، اما اثبات نشود، در حکم هیچ است و به عبارتی، در جهان اخلاق محترم است، لکن در قلمرو حقوق اعتباری اندک دارد [۱]. فرایند معمول و اصلی اثبات ادعا بدین گونه است که مدعی با ابراز دلایلی که خود در اختیار دارد، حق ادعایی را اثبات می‌کند. اما گاه دلایل اثبات ادعا در اختیار مدعی علیه است و مدعی برای پیشبرد و اثبات ادعای خود به آن‌ها نیاز پیدا می‌کند. در این اوضاع و احوال، بحث افشای^۱ اسناد مطرح می‌شود. افشای اسناد سازوکاری است که از طریق آن «مدعی علیه به درخواست مدعی مکلف می‌شود اسناد قابل پذیرش و مرتبطی را که در اختیار دارد ارائه کند». تکلیف به افشای اسناد که ناشی از اصل حسن نیت^۲، حق دسترسی به دلیل^۳ و اصل همکاری طرفین^۴ است، به نوعی تعدیل و استثنایی بر قاعده فقهی «البینه علی المدعی» و همچنین قاعده لاتینی است که اشعار می‌دارد «هیچ کس را نمی‌توان مجبور به ابراز سند علیه خود کرد»^۵. در واقع، افشای دلیل به‌عنوان یکی از ابتکارات نظام‌های قانونگذاری نوین از سازوکارهای تعدیل اصل اختیار اصحاب دعوا در حوزه اثبات و دلیل اثبات محسوب می‌شود [۲، ص ۲۶۹]. نظر به ضرورت اجرای عدالت و صدور حکم بر مبنای حقیقت، الزام طرف ممتنع به ارائه دلایل مورد استناد طرف مقابل، در بسیاری از نظام‌های حقوقی مورد پذیرش واقع شده، تا حدی که به‌عنوان یک اصل فراملی دادرسی مدنی از آن نام برده شود [۲، ص ۲۶۹].^۶ تحول افکار سبب شده که در حال حاضر استادان حقوق دادرسی مدنی مقرر کنند: اگر ادعای یکی از طرفین

1. disclosure/discovery
2. the principle of good faith
3. right of access to evidence
4. the principle of cooperation of parties
5. *nemo tenetur edere contra se*

۶. بند سوم اصل ۲۱ از اصول آیین دادرسی مدنی فراملی به قاعده‌ای اشاره می‌کند که به موجب آن اصحاب دعوا مکلف به مشارکت در تحمل بار اثبات از روی حسن نیت هستند: «هنگامی که دلیل مورد استناد طرف در اختیار طرف مقابل است، باید دارنده دلیل به ارایه آن ملزم شود و نمی‌تواند به این بهانه که آوردن دلیل تکلیف استنادکننده به آن است، از ارائه دلیل به دادگاه خودداری کند» [۳]

دعوا، مبتنی بر اسنادی باشد که در اختیار طرف مقابل است، می‌تواند افشا و ارائه آن‌ها را درخواست کند. افشای اسناد به‌عنوان یک تکلیف عام قانونی در حیطه دادرسی و دعوا، ریشه در حقوق کامن‌لا دارد و به افشای اسناد کتبی و افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی^۱ تقسیم می‌شود. افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی، به‌عنوان موضوع تشکیل‌دهنده پژوهش حاضر، شامل افشای انواع اطلاعات ذخیره شده الکترونیکی، از قبیل پست الکترونیکی،^۲ فایل‌های واژه‌پرداز،^۳ پایگاه‌های داده کامپیوتری،^۴ صفحات وب،^۵ برنامه‌های صفحه گسترده^۶ و تقریباً تمام اطلاعات قابل ذخیره در کامپیوتر یا سایر وسایل الکترونیکی می‌شود. از نظر فنی، اطلاعات اگر در رسانه‌ای موجود باشند که فقط با استفاده از کامپیوتر یا سایر وسایل دیجیتال قابل خواندن هستند، الکترونیکی محسوب می‌شوند [۴، ص ۱]. چنین رسانه‌ای شامل رم،^۷ دیسک‌های مغناطیسی^۸ (مثل حافظه‌های پنهان و دیسک فلاپی)، دیسک‌های نوری^۹ (مثل دی.وی.دی‌ها یا سی.دی.ها) و نوارهای مغناطیسی^{۱۰} است [۴، ص ۱]. به هر روی از آن‌جا که ادبیات حقوقی ایران در زمینه افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی بضاعتی اندک و ناچیز دارد، هدف پژوهش حاضر آن است که ابعاد مختلف افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی را بررسی کرده، در حد امکان به این پرسش مهم پاسخ دهد که وجوه تمایز و تشابه نظام‌های حقوقی آمریکا، انگلیس و ایران در خصوص این موضوع چیست. پر واضح است که از این طریق نقاط ضعف و ایرادات حقوق داخلی نمایان شده، زمینه برای حرکت به سمت آنچه مطلوب‌تر است فراهم می‌شود.

1. disclosure of electronic documents and information
2. e-mail
3. word processing files
4. computer databases
5. web pages
6. spreadsheets
7. random access memory
8. magnetic disks
9. optical disks
10. magnetic tapes



۲. بررسی تحولات حقوقی انگلیس، ایالات متحده آمریکا و ایران

۲-۱. حقوق انگلیس

در حقوق فعلی این کشور، طرفین دادرسی ملزمند قبل از دادرسی ویا در جریان آن، اسناد مرتبطی را که در کنترل و اختیار دارند برای طرف دیگر افشا کنند [۵، ص ۴۴۹]. قواعد افشا و بازرسی اسناد^۱ در بخش ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس (۱۹۹۸) مقرر شده است. همان طور که از عنوان بخش ۳۱ بر می آید افشا تنها محدود به اسناد بوده، هر طرف باید اجازه بازرسی اسناد تحت کنترل خویش را بدهد و اگر طرف مقابل درخواست کند یک روگرفت (کپی) از سند نیز ارائه دهد [۵، ص ۴۴۹]. ماده ۳۱.۴ قانون آیین دادرسی مدنی انگلیس سند را چنین تعریف می کند: «سند چیزی است که اطلاعاتی در آن ضبط و ذخیره شده است». تعریفی که ماده اخیر از سند ارائه می دهد، مطابق با تحولات فناوری اطلاعات بوده، به قدری وسیع است که همه انواع اطلاعات ذخیره شده الکترونیکی^۲ را تحت شمول سند در می آورد [۶، ص ۱۷۳].

در کنار قواعد افشا در بخش ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی سال ۱۹۹۸، برطبق رویه جاری در حقوق این کشور که قانون آیین دادرسی مدنی به طور مرتب توسط دستورالعمل های رویه ای^۳ تکمیل و پشتیبانی می شود، در حوزه افشای اسناد الکترونیکی، دستورالعمل 31B در سال ۲۰۱۰ تنظیم و صادر شده است. به منظور رفع هرگونه ابهام درخصوص شمول تعریف ماده ۳۱.۴، در پاراگراف یکم دستورالعمل مذکور آمده است: «ماده ۳۱.۴ حاوی تعریف عام و گسترده ای از اسناد است. این تعریف شامل اسناد الکترونیکی نیز می شود». هدف از این دستورالعمل تشویق و مساعدت به طرفین دعوا برای رسیدن به توافق در رابطه با افشای اسناد الکترونیکی به شیوه های متناسب و مقرون به صرفه است [۷، ص ۱].

1. disclosure and inspection documents
2. electronically stored information
3. practice direction

این دستورالعمل مبتنی بر پنج اصل است که طرفین دعوا و نمایندگان قانونی‌شان باید هنگام افشای اسناد الکترونیکی آن‌ها را مدنظر قرار دهند: (۱) به منظور کاهش هزینه‌ها اسناد الکترونیکی باید به نحو مؤثری مدیریت شوند؛ (۲) باید به منظور اطمینان از این‌که فعالیت‌های مدیریت اسناد به نحو کارآمد و مؤثر انجام می‌شود از فناوری استفاده شود؛ (۳) افشا باید به شیوه‌ای صورت پذیرد که برای این هدف مهم مؤثر باشد؛ (۴) اسناد الکترونیکی عموماً باید به شکلی برای بازرسی ارائه شوند که به طرف دریافت کننده اسناد اجازه دهد، مثل طرفی که افشا را انجام می‌دهد، توانایی مشابهی برای دسترسی، جستجو، بررسی و نمایش اسناد داشته باشد؛ (۵) افشای اسناد الکترونیکی غیرمرتبط با دعوا می‌تواند موجب بار اضافی از نظر زمان و هزینه برای طرفی باشد که افشا را انجام می‌دهد [۷، ص ۲].

براساس قواعد مطرح شده در دستورالعمل 31B، یک رویکرد دو مرحله‌ای برای افشای اسناد الکترونیکی اتخاذ شده است. در مرحله نخست، طرفین دعوا باید راجع به موضوعات و جوانب مختلف افشای اسناد الکترونیکی مذاکره و توافق کنند، مثل این‌که با یکدیگر توافق کنند که اسناد درخواستی باید در قالب کاغذ ارائه شوند یا در قالب سی‌دی. در مرحله دوم، اگر طرفین دعوا قادر نباشند درخصوص افشای اسناد الکترونیکی به توافق برسند، باید در اولین تاریخ ممکن از دادگاه تقاضای اتخاذ تصمیم کنند [۷، ص ۳].

۲-۲. حقوق آمریکا

کشور آمریکا از کشورهای اصلی و مهم نظام کامن‌لا است که مقررات و رویه قضایی آن درخصوص افشای اسناد و اطلاعات الکترونیکی کاملاً روزآمد، دقیق، گسترده و در عین حال، پیچیده و منحصر به فرد است. بدون اغراق می‌توان گفت در این زمینه آمریکا دارای پیشروترین قانون و رویه قضایی است. افشای اسناد الکترونیکی در این کشور از طریق دو منبع، یعنی مقررات آیین دادرسی مدنی (فدرال و ایالتی) و رویه قضایی،



هدایت می‌شود. این دو منبع موتور محرکه افشای اسناد الکترونیکی در این کشور هستند. طبق مقررات مربوط به افشای اسناد الکترونیکی، پس از تشکیل ماده نزاع و در بستر دادرسی، هرگونه اطلاعات غیرمحرمانه که به یک ادعا یا دفاع مربوط است باید براساس درخواست طرف مقابل افشا و ارائه شوند [۸]. در واقع همان طور که دیوان عالی آمریکا در پرونده مشهور هیچمن علیه تیلور^۱ بیان کرده است: «آگاهی هر طرف از تمامی واقعیات گردآوری شده توسط طرف دیگر برای یک دادرسی شایسته و مناسب ضروری است. بدین منظور، هریک از طرفین می‌تواند دیگری را به افشای حقایقی که در دست دارد اجبار کند» [۹]. بر این اساس در آمریکا همه طرف‌های اختلاف ملزمند در جلسه‌ای موسوم به «ملاقات و مذاکره»^۲ موضوعات مربوط به افشای اسناد الکترونیکی را مورد بحث قرار داده، بعد از حصول توافق، برنامه‌ای در مورد نحوه افشا تنظیم کنند. مسائلی که طرفین نمی‌توانند درخصوص آن‌ها به توافق برسند، باید برای حل اختلاف به دادگاه ارجاع شوند [۱۰، ص ۴۰].

۲-۳. حقوق ایران

با توجه به گسترش فزاینده استفاده از اسناد الکترونیکی در کشور ما، طرح این پرسش منطقی و ضروری است که اگر دلیل مورد استناد مدعی، سندی الکترونیکی باشد که نزد طرف مقابل است آیا او می‌تواند برای اثبات ادعای خود، افشای آن را درخواست کند؟ تشخیص مشروعیت یا عدم مشروعیت این درخواست مستلزم پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. آیا مدعی می‌تواند با کمک اسناد و اطلاعات الکترونیکی ادعای خویش را ثابت کند؟

پاسخ به این پرسش از این جهت می‌تواند حائز اهمیت باشد که اگر اسناد و اطلاعات الکترونیکی منشأ اثر در امر اثبات نباشند و دلیل اثباتی محسوب نشوند، افشای آن‌ها

1. Hichman v. Taylor (1947)
2. meet and confer

غیرضروری و غیرمنطقی بوده، صرفاً هزینه و تکلیفی اضافه و بی‌فایده برای طرف مقابل ایجاد خواهد کرد.

براساس ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی و فصل دهم قانون آیین دادرسی مدنی، نظام حقوقی ایران برای اثبات دعوا هشت نوع دلیل را معرفی کرده که شامل سند نیز می‌شود. ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند را چنین تعریف می‌کند: «سند عبارت است از هر نوشته که در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد». براساس این ماده، سند در صورتی دلیل اثباتی است که دارای دو شرط باشد: ۱) به صورت نوشته باشد، ۲) در مقام دعوا یا دفاع قابل استناد باشد. حال این پرسش مطرح است که آیا اسناد الکترونیکی نوشته محسوب می‌شوند؟

تا قبل از سال ۱۳۸۲ و تصویب قانون تجارت الکترونیکی همواره تردیدهایی درخصوص صدق عنوان نوشته بر سند الکترونیکی وجود داشت. بعد از تصویب قانون تجارت الکترونیکی این تردیدها رفع شد و قانونگذار متعاقب تعریف داده‌پیام (در بند الف ماده ۲)، صراحتاً در ماده ۶ مقرر داشت: «هرگاه یک نوشته از نظر قانون لازم باشد، داده‌پیام در حکم نوشته است...». این ماده با نوشته دانستن داده‌پیام در مقام آن بوده تا داده‌پیام شرط اول سند بودن را کسب کند [۱۱، ص ۹]. لذا با وضع این ماده دیگر نمی‌توان با این استدلال که سند الکترونیکی نوشته نیست ارزش اثباتی آن را نادیده گرفت. هرچند تا قبل از وضع این قاعده نیز این استدلال قابل رد بود؛ زیرا به تناسب هر دوره‌ای نحوه نوشتن تغییر پیدا می‌کند و وقتی که ماده ۱۲۸۴ سند بودن را موکول به نوشته بودن می‌کند، اشاره‌ای به این‌که نوشته باید نوشته کاغذی باشد، نمی‌کند. در واقع، این‌که عده‌ای نوشته را صرفاً در قالب کاغذ قبول می‌کنند، بیش‌تر ناشی از انس ذهنی و غلبه استفاده از نوشتار کاغذی _ بخصوص در دهه‌های قبل _ است. لذا نوشته اعم است از نوشته کاغذی و نوشته الکترونیکی. شرط دوم ماده ۱۲۸۴ نیز از طریق ماده ۱۲ قانون تجارت الکترونیکی برای اسناد الکترونیکی تأمین شده است. به موجب این ماده «اسناد و ادله اثبات دعوا ممکن است به صورت داده‌پیام بود، در



هیچ محکمه یا اداره دولتی نمی‌توان براساس قواعد ادله موجود، ارزش اثباتی داده‌پیام را صرفاً به دلیل شکل و قالب آن رد کرد». این ماده ضمن صحه گذاشتن بر این‌که سند می‌تواند به صورت داده‌پیام باشد، مقرر می‌کند که ارزش اثباتی آن را نباید به دلیل شکل و قالبی که دارد نادیده گرفت. در واقع با ذکر کلمه سند در ماده ۱۲ مشخص می‌شود که مقنن نوشته‌هایی را که به صورت داده‌پیام هستند، از جمله نوشته‌های الکترونیکی را که می‌توان در مقام دعوا یا دفاع به آن استناد کرد، به‌عنوان سند موضوع مواد ۱۲۸۴ تا ۱۳۰۵ قانون مدنی مورد پذیرش قرار داده است [۱۲].

باری با تصویب قانون تجارت الکترونیکی و از طریق مواد ۶ و ۱۲ آن، دو شرط مذکور در ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی نسبت به سند الکترونیکی تأمین شده و اسناد الکترونیکی (داده‌پیام) در عداد دلایل قانونی قرار گرفته است [۱۱، ص ۹]. از همین رو در نظام حقوقی فعلی ایران، اسناد الکترونیکی دارای ارزش اثباتی هستند و مدعی می‌تواند با استناد به آن‌ها دعوای خود را اثبات کند.

۲. آیا در حقوق ایران امکان افشای اسناد و اطلاعات وجود دارد؟

همگام با تحولات صورت گرفته در نظام‌های حقوقی پیشرفته، در نظام حقوقی ایران نیز به منظور دستیابی بیش‌تر به حقیقت و امکان مطلوب‌تر احقاق حق، قاعده «البینه علی المدعی» تعدیل شده و جواز افشای سند مورد پذیرش قرار گرفته است. در این زمینه، بخش دوم ماده ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی ایران که مقرر داشته: «... هیچ بازرگانی نمی‌تواند به عذر نداشتن دفتر از ابراز ویا ارائه دفاتر خود امتناع کند، مگر این‌که ثابت نماید که دفتر او تلف شده یا دسترسی به آن ندارد. هرگاه بازرگانی که به دفاتر او استناد شده است از ابراز آن خودداری نماید و تلف یا عدم دسترسی به آن را هم نتواند اثبات کند، دادگاه می‌تواند آن را از قراین مثبتة اظهار طرف قرار دهد»، یکی از مستندات تکلیف به افشای سند در حقوق ایران است [۲، ص ۲۶۴]. ولی ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی مدنی مستند اصلی در باب افشا و ارائه سند است که مقرر می‌دارد: «هرگاه سند معینی که مدرک ادعا یا اظهار یکی از طرفین دعوا است نزد طرف دیگر

باشد، به درخواست طرف، باید آن سند ابراز شود. هرگاه طرف مقابل به وجود سند نزد خود اعتراف کند، ولی از ابراز آن امتناع نماید، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبتة بداند». ذکر دو نکته درخصوص این ماده ضروری است:

الف) با توجه به تصویب قانون تجارت الکترونیکی، مفهوم سند در حقوق فعلی ایران وسعت یافته و منظور از سند در این ماده اعم است از سند کاغذی و الکترونیکی؛
ب) شرط معین بودن در این ماده حکایت از یک تفاوت عمده و مهم میان نظام حقوقی ایران (نظام حقوق نوشته) و نظام حقوقی آمریکا و انگلستان (نظام کامن‌لا) دارد؛ بدین توضیح که در حقوق ایران، درخواست افشا در صورتی مقبول و مشروع است که طرف دعوا تا جایی که ممکن است محل، نوع، مشخصات، تاریخ (ارسال، دریافت، ذخیره‌سازی) و منشأ سند الکترونیکی مورد درخواست را مشخص و معین کند تا شرط معین بودن سند تحقق یابد؛ در حالی که در نظام حقوقی آمریکا و انگلستان شرط معین بودن سند الکترونیکی وجود ندارد و طرف دعوا ملزم است تمامی اسناد الکترونیکی مرتبط با موضوع متنازع‌فیه را افشا کند.

سرانجام، به‌عنوان نتیجه این بحث باید گفت در حقوق ایران، بر مبنای مواد و مستندات قانونی ذکر شده، همانند حقوق انگلستان و آمریکا (در انگلستان طبق بخش ۳۱ قانون آیین دادرسی مدنی و دستورالعمل 31B و در آمریکا طبق ماده ۲۶ مقررات آیین دادرسی مدنی فدرال) تا حدودی امکان افشای سند الکترونیکی مورد پذیرش واقع شده است. بر این اساس، مدعی از طریق دادگاه و با نظارت و دستور آن می‌تواند از طرف مقابل درخواست کند که سند الکترونیکی مورد استناد وی را افشا کند و متعاقباً طرف مقابل نیز باید سند الکترونیکی را که مدرک ادعا یا اظهار مدعی است در اختیار دادگاه قرار دهد.

۳. مراحل فرایند افشای اسناد الکترونیکی

فرایند افشای اسناد الکترونیکی زمانی آغاز می‌شود که یکی از طرفین دعوا از طرف



دیگر درخواست کند که اطلاعات و اسناد ذخیره شده الکترونیکی مرتبط با ادعا یا دفاع وی را ارائه کند [۱۰، ۳۴-۳۷]. این فرایند دارای چهار مرحله به شرح زیر است.

۳-۱. شناسایی

در این مرحله، مکان، موقعیت، و نوع اسنادی که باید افشا شوند مورد شناسایی قرار می‌گیرد. به طور مثال اگر درخواست افشا مربوط به پست الکترونیکی باشد، طرف افشاکننده باید مشخص کند پست الکترونیکی مورد درخواست مربوط به چه بازه زمانی است؟ در کدام یک از منابع اطلاعاتی (دیسک سخت، نوارهای پشتیبان، رم و...) نگهداری می‌شود؟ نویسنده آن و دریافت‌کننده‌اش کیست؟ و ...

۳-۲. محافظت و نگهداری

یکی از مهم‌ترین مراحل فرایند افشای اسناد الکترونیکی، مرحله محافظت و نگهداری از اسناد و اطلاعات است. در این مرحله، بر محافظت و نگهداری از اطلاعات به دست آمده به هر روشی که قابل اتکا، کامل، دقیق و قابل تأیید باشد، تأکید می‌شود [۱۳]. در حقوق آمریکا نگهداری از اسناد الکترونیکی مرتبط با دعوا، یک تکلیف برای طرفین دعوا و وکلای آن‌ها قلمداد می‌شود [۱۴، ص ۱۵۹]. مطابق نظام حقوقی این کشور تکلیف محافظت و نگهداری از اسناد و اطلاعات الکترونیکی نه تنها شامل دعوایی می‌شود که در جریان است، بلکه این تکلیف شامل موردی هم می‌شود که طرف دعوا منطقیاً پیش‌بینی می‌کند که دعوایی در آینده اقامه شده و این اطلاعات و اسناد مرتبط با آن دعوا خواهند بود. اکثر دادگاه‌های آمریکا بر این عقیده‌اند که تکلیف نگهداری از دلایل مرتبط با دعوا، هنگامی ایجاد می‌شود که: (۱) طرف دعوا خطریه‌ای مبنی بر این‌که دلیلی مرتبط با جریان دعوا است دریافت کند؛ (۲) هنگامی که یک طرف باید بداند که دلیلی می‌تواند با دعوی آینده مرتبط باشد [۱۵]. در حقوق انگلیس در مورد تکلیف نگهداری از اسناد الکترونیکی این گونه مقرر شده است: «به محض آن‌که دعوایی در پیش باشد نمایندگان

حقوقی طرفین باید به موکلانشان لزوم نگهداری از اسناد قابل افشا را اطلاع دهند. اسنادی که باید نگهداری شوند شامل اسناد الکترونیکی هستند که اگر نگهداری نشوند مطابق سیاست حفظ اسناد یا در جریان معمول کسب و کار حذف خواهند شد» [۷، ص ۲].

همان طور که مشخص است در آمریکا و انگلیس حفظ اسناد الکترونیکی مرتبط با دعوا یک تکلیف قانونی است. از همین رو شرکت‌ها و مؤسسات این کشورها از سیاست‌های معتبر و استاندارد برای حفظ اسناد الکترونیکی استفاده می‌کنند. اتخاذ چنین سیاست‌هایی، افزون بر جلوگیری از حذف سهوی اسناد الکترونیکی مورد نیاز، دست‌کم دارای دو مزیت عمده است: الف) به شرکت‌ها و مؤسسات کمک می‌کند که از انباشت غیرضروری اطلاعات الکترونیکی که حفظ و نگهداری آن‌ها بار مالی سنگینی را ایجاد می‌کند خودداری کنند. ب) به افراد، مؤسسات و شرکت‌ها کمک خواهند کرد در برابر ادعای حذف عمدی اطلاعات الکترونیکی، سیاست و عملیات معمول حفظ اطلاعات خود را به‌عنوان راهبرد دفاعی مورد استناد قرار دهند. بر همین اساس در سال ۲۰۰۶ و در اصلاحات مقررات آیین دادرسی مدنی فدرال، قانونگذار آمریکا در ماده (e) ۳۷ مقرراتی تحت عنوان «بندرگاه امن»^۱ وضع کرد که طبق آن، اگر اسناد الکترونیکی در نتیجه عملیات «معمول و با حسن نیت»^۲ سیستم اطلاعات الکترونیکی از بین بروند، دادگاه‌ها نمی‌توانند مجازاتی را بر طرف دعوا تحمیل کنند [۱۶، ص ۵۹۰]. اتخاذ سیاست صحیح و معتبر محافظت و نگهداری از اسناد و اطلاعات الکترونیکی چنان مهم است که اگر طرف دعوا اطلاعات الکترونیکی را با حسن نیت، اما نه به‌عنوان بخشی از عملیات معمول حذف کند، ماده (e) ۳۷، حمایتی از وی به عمل نخواهد آورد [۱۶، ص ۵۹۱].

در حقوق ایران تکلیف محافظت و نگهداری از اسناد الکترونیکی در حوزه دادرسی مدنی مورد عنایت و توجه واقع نشده و این تکلیف صرفاً در حوزه دادرسی کیفری و

1. safe harbor
2. routine good faith



در ماده ۴۹ قانون جرائم رایانه‌ای پیش‌بینی شده است.^۱ لذا برخلاف حقوق انگلیس و آمریکا، در حقوق دادرسی مدنی ایران نه‌تنها برای دعوایی که در آینده اقامه می‌شود، بلکه برای دعوای جاری نیز طرفین دعوا هیچ‌گونه تکلیفی نسبت به نگهداری از اسناد الکترونیکی ندارند. به نظر می‌رسد با توجه به این‌که اسناد الکترونیکی نسبت به اسناد کاغذی پویاتر هستند و ممکن است به نحو آگاهانه یا از روی بی‌دقتی و در خلال عملیات معمول یک سیستم اطلاعاتی دچار نابودی، تغییر و یا آسیب شوند، عدم پیش‌بینی این تکلیف، نوعی نقص قانونی و در واقع غفلت از ماهیت خاص این نوع اسناد است. بنابراین، کسی که می‌خواهد با استناد به اسناد الکترونیکی که در اختیار طرف مقابل است ادعای خود را ثابت کند، باید برای پیشگیری از حذف و نابودی آن‌ها به تأمین دلیل متوسل شود. به موجب ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی مدنی: «در مواردی که اشخاص ذینفع احتمال دهند که در آینده استفاده از دلایل و مدارک دعوای آنان از قبیل تحقیق محلی و کسب اطلاع از مطلعین و استعلام نظر کارشناسان یا دفاتر تجاری یا استفاده از قرائن و امارات موجود در محل و دلایلی که نزد طرف دعوا یا دیگری است، متعذر یا متعسر خواهد شد، می‌توانند از دادگاه درخواست تأمین آن‌ها را بنمایند...» به هر روی، چون تأمین دلیل مستلزم دخالت مقام قضایی است و همواره امکان حذف عمدی یا سهوی اسناد الکترونیکی مرتبط با دعوا قبل از این دخالت وجود دارد، بهتر این است که قانونگذار تکلیف حفظ و نگهداری از اسناد الکترونیکی مرتبط با دعوای فعلی یا حتی آینده را به اطراف دعوا تحمیل کند.

۳-۳. پردازش، بررسی، تحلیل

بعد از آن‌که اسناد و اطلاعات بالقوه مرتبط شناسایی، محافظت و نگهداری شدند یک پالایش دقیق از اسناد و اطلاعات نگهداری شده صورت خواهد گرفت و اطلاعات و

۱. «به منظور حفظ صحت، تمامیت، اعتبار و انکارناپذیری ادله الکترونیکی جمع‌آوری شده، لازم است مطابق آیین‌نامه مربوط از آن‌ها نگهداری و مراقبت به عمل آید».

اسناد تکراری، غیرمرتبط، محرمانه و ... از فرایند افشا خارج خواهند شد.

۳-۴. ارائه

آخرین مرحله از فرایند افشا، مرحله ارائه اسناد و اطلاعات درخواست شده است. در حقوق انگلیس و آمریکا، اصل بر این است که اسناد الکترونیکی افشا شده باید به درخواست‌کننده اسناد ارائه شوند؛ حال آن که در حقوق ایران سند الکترونیکی افشا شده منطقی‌اً باید به دادگاه ارائه شود. در این قسمت بحث را در دو مورد از مهم‌ترین موضوعات این مرحله پی می‌گیریم: « قالب ارائه » و « ارائه فراداده ».

۳-۴-۱. قالب ارائه

اطلاعات ذخیره شده الکترونیکی را در قالب‌های مختلفی می‌توان ارائه کرد که هر کدام امکانات متفاوتی را برای طرف دریافت‌کننده آن ایجاد می‌کنند. به طور مثال می‌توان از اطلاعات مرتبط، تصویری الکترونیکی به صورت پی.دی.اف^۱ یا یک تگ قالب فایل تصویری^۲ تهیه و ارائه کرد یا به وسیله چاپگر، مبادرت به چاپ و تهیه صورت کاغذی آن‌ها کرد و یا اطلاعات را در قالبی که ایجاد شده‌اند، یعنی قالب اصلی^۳ ارائه کرد. با توجه به متفاوت بودن قالب‌های ارائه اطلاعات و اسناد الکترونیکی در کشورهای آمریکا و انگلستان، طرفین دعوا باید راجع به قالب و شکل ارائه اسناد مذاکره و توافق کنند. طبق پارگراف سی و دوم دستورالعمل 31B در حقوق انگلیس «طرفین دعوا باید در مرحله اولیه راجع به قالبی که اسناد الکترونیکی برای بازرسی ارائه می‌شوند همکاری کنند. در موردی که مانع یا اختلاف نظر وجود دارد، این موضوع باید به دادگاه ارجاع شود تا در اولین تاریخ ممکن و اگر امکان داشته باشد در اولین جلسه تنظیم پرونده قراری (دستورالعملی) در این زمینه صادر کند». [۷، ص ۶]. در حقوق انگلیس اگر طرفین

1. format
2. pdf
3. tag image file format
4. native format



دعوا درخصوص قالب و شکل ارائه اسناد و اطلاعات الکترونیکی به توافق نرسند و در تصمیم دادگاه هم این امر مشخص نشده باشد، پاراگراف سی و سوم دستورالعمل 31B مقرر می‌دارد: «اگر در توافق طرفین و دستور دادگاه قالب ارائه مشخص نشده باشد، نسخه‌های الکترونیکی اسناد افشا شده باید در قالب اصلی‌شان ارائه شوند، به نحوی که فراداده مرتبط با تاریخ ایجاد هر سند حفظ شود».

بسان حقوق انگلیس در حقوق آمریکا نیز توافق طرفین دعوا درخصوص شکل ارائه صائب و ارجح است و ایشان براساس ماده ۲۶(f) مقررات آیین دادرسی مدنی فدرال، حق دارند قالب ارائه اسناد ذخیره شده الکترونیکی را مورد مذاکره قرار دهند و راجع به آن توافق کنند. در صورت عدم توافق طرفین این حق برای درخواست‌کننده افشا وجود دارد که در درخواست خود شکل یا اشکال ارائه اسناد و اطلاعات ذخیره شده الکترونیکی را مشخص کند؛ اما اگر نه در درخواست افشا و نه در دستور دادگاه شکل و قالب ارائه اطلاعات مشخص نشود، طرف دعوا (یعنی ارائه‌کننده) باید اطلاعات را به شکل یا اشکالی ارائه کند که به طور معمول نگهداری می‌شوند یا به شکل و اشکالی که به طور قابل قبول و معقولی بتوان از آن‌ها استفاده کرد و برخلاف حقوق انگلیس ملزم به ارائه اسناد در قالب اصلی نخواهد بود [۱۰، ص ۵۳].

در قوانین ایران تکلیف قالب ارائه سند الکترونیکی مشخص نشده است و تعیین آن به‌عنوان یک امر موضوعی باید به دادگاه واگذار شود. لذا طبق یک سیستم نوین و متناسب با حقوق ایران به دادگاه‌ها پیشنهاد می‌شود که در زمان صدور دستور افشا و ارائه سند الکترونیکی، حتی‌الامکان توافق و پیشنهادهای طرفین را درخصوص قالب ارائه مورد توجه قرار دهند و همچنین با توجه به فنی و تخصصی بودن قضیه، نسبت به جلب نظر کارشناس در این زمینه اقدام کنند.

۳-۴-۲. ارائه فراداده

یکی دیگر از مهم‌ترین موضوعاتی که در مرحله ارائه مطرح می‌شود موضوع ارائه

فراداده^۱ است. فراداده، اطلاعات درباره اطلاعات است. در مورد یک سند الکترونیکی فراداده معمولاً حاوی اطلاعاتی درباره سند است که هیچ‌گاه از سند الکترونیکی اصلی که به تصویر الکترونیکی یا سند کاغذی تبدیل شده به سهولت قابل دسترسی نیست. فراداده می‌تواند شامل تاریخ، زمان ایجاد یا تغییر یک فایل واژه‌پرداز یا شامل نویسنده، تاریخ و زمان ارسال یک پست الکترونیکی باشد. فراداده می‌تواند به طور خودکار و به وسیله سیستم کامپیوتری یا به صورت دستی و توسط کاربر ایجاد شود [۷، ص ۱]. درخصوص ارائه فراداده بحث بر سر این است که آیا واقعاً فراداده بخشی از یک سند الکترونیکی است که باید همراه آن افشا شود و یا جدا از آن است.

در حقوق انگلیس فراداده مربوط به تاریخ ایجاد سند قابل افشا است و اگر طرف درخواست‌کننده خواستار افشای فراداده بیش‌تری باشد باید اولاً مرتبط بودن و ثانیاً اهمیت فراداده درخواست شده را ثابت کند. البته این مطلب جایی مصداق دارد که در دستور دادگاه یا توافق طرفین طوری دیگر مقرر نشده باشد [۷، ص ۵-۶].

در حقوق آمریکا مسأله ارائه فراداده در فرضی که طرفین درخصوص آن توافقی صورت نمی‌دهند، کاملاً چالش برانگیز است. به نظر می‌رسد این چالش ناشی از عدم تصریح مقررات آیین دادرسی مدنی فدرال به امکان یا عدم امکان افشای فراداده است [۱۷]؛ هرچند رویه قضایی این کشور در بسیاری از پرونده‌ها تمایل خود را به ارائه فراداده اعلام کرده است [۱۴، ص ۱۶۷-۱۷۰].

با توجه به جدید بودن مسأله فراداده، در قوانین ایران و عقاید علمای حقوق از امکان یا عدم امکان ارائه آن صحبتی به میان نیامده است؛ اما به نظر می‌رسد که می‌توانیم با استناد به اطلاق مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی، قائل به امکان ارائه سند الکترونیکی همراه با فراداده آن شویم؛ البته فراداده‌ای که مرتبط با موضوع اختلاف باشد؛ چه این دیدگاه تسهیل در کشف حقیقت و احقاق حق را در پی دارد.

1. metadata



۴. ضمانت اجرا

همواره این امکان وجود دارد که طرفین دعوا از تعهدات و تکالیف مربوط به افشای الکترونیکی سرپیچی کنند. سرپیچی شامل مواردی همچون عدم محافظت و نگهداری از اسناد و اطلاعات، عدم ارائه اسناد، ارائه با تأخیر و از بین بردن اسناد می‌شود. اعمال ضمانت اجرا متناسب با عمل انجام شده، افزون بر آن که می‌تواند باعث پیشگیری از این سرپیچی و ترمد شود، موجبات یک دادرسی حقیقت‌محور را نیز فراهم می‌آورد؛ زیرا هنگامی که طرفین از تعهد خود مبنی بر افشا سرپیچی می‌کنند و با رفتارشان نشان می‌دهند که هیچ قصدی برای تبعیت از آن تعهد ندارند، دادرسی (در آمریکا هیأت منصفه) نمی‌تواند حقیقت را کشف و عدالت را جاری کند [۸۸، ص ۸۸].

در حقوق انگلیس سرپیچی طرفین دعوا از تکلیف افشا، براساس قانون آیین دادرسی مدنی، عمدتاً منجر به سه نوع ضمانت اجرا می‌شود: الف) توقیف تمام یا بخشی از دادرسی ((ماده (f)(۲) ۳۰۱: ب) دستور به پرداخت خسارات (ماده (۲) ۳۸: ج) رد تمام یا قسمتی از یک دعوا یا دفاع (ماده (c)(۲) ۳۰۴) [۱۹].

در نظام حقوقی انگلیس، دستور به رد دعوا سخت‌ترین ضمانت اجرا شناخته می‌شود. زمانی که یک طرف دعوا از انجام تکلیف افشا امتناع کند، به صورتی که دیگر یک دادرسی عادلانه ممکن نباشد، دادگاه ملزم است از تعقیب دعوا توسط وی جلوگیری و در صورت اقتضا، در دادرسی علیه او اتخاذ تصمیم کند [۶، ص ۴۴۲].

در پرونده ماریوس ریباک علیه لانگبر^۱، ریباک (خواهان) از دستور دادگاه مبنی بر افشا و تکلیفی که در این زمینه داشت سرپیچی کرد. وی چند روز قبل از آن که رایانه‌اش به دستور دادگاه توسط متخصص دلایل دیجیتال مورد بازرسی قرار بگیرد با استفاده از برنامه موسوم به «پاک کردن فضای خالی»^۲ مبادرت به روی هم‌نویسی همه فایل‌های حذف شده کرد؛ یعنی اطلاعات حذف شده را پاک کرد تا دیگر قابل

1. Marius Rybak v. Langbar International Limited
1. erase free space

بازیابی نباشند. دادگاه ضمن رد دعوی ریباک این پیام روشن را منتقل کرد که در نابود و پنهان کردن اطلاعات و اسنادی که برای تصمیم دادگاه اساسی هستند به طرف دعوا - در این جا ریباک - کمک نخواهد کرد [۲۰].

در قوانین موضوعه آمریکا نوع ضمانت‌های اجرایی که باید برای تخلفات مربوط به افشای اسناد الکترونیکی در نظر گرفته شود صراحتاً مشخص نشده است؛ اما دو منبع و مستند قانونی وجود دارد که دادگاه‌ها براساس آن‌ها مبادرت به اعمال ضمانت اجرای متناسب می‌کنند: الف) اختیارات ذاتی^۱ دادگاه‌ها که به منظور کمک به دادگاه‌ها در اجرای شایسته عدالت و صیانت از اقتدارشان پیش‌بینی شده‌اند [۲۱، ص ۲۶۷]؛ ب) بندهای b و c ماده ۳۷ مقررات آیین دادرسی مدنی فدرال. بند b ماده ۳۷ مقرر می‌دارد: «اگر طرف دعوا از دستوری که طبق ماده (f) ۲۶ صادر شده سرپیچی کند، دادگاهی که دعوا در آن جریان دارد می‌تواند دستوری متناسب با این قصور صادر کند». بند c نیز به دادگاه اجازه می‌دهد اگر طرف دعوا بدون دلیل قابل ملاحظه‌ای از افشای اطلاعاتی که در ماده (a) ۲۶ یا (e)(۱) ۲۶ مقرر شده خودداری کرد، ضمانت اجرای متناسبی را اعمال کند [۱۸، ص ۷۲]. بنابراین، دادگاه‌ها می‌توانند به خاطر سرپیچی و امتناع از نگهداری و ارائه اسناد قابل افشا، طرف دعوا را براساس اختیار ذاتی یا ماده ۳۷ مجازات کنند [۲۱، ص ۲۶۷].

دادگاه‌های آمریکا با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده طیف متنوعی از ضمانت‌های اجرا را اعمال می‌کنند که شامل رد دعوا یا دفاع، صدور حکم غیابی علیه خاطی، استتباط مخالف، رد ادله و مدارک، دستور به جبران خسارت، مجازات توهین به دادگاه، جلوگیری از شهادت کارشناس و مجازات‌های حرفه‌ای علیه وکلا است [۱۴، ص ۱۵۹-۱۸۰].

بیش‌تر دادگاه‌های آمریکا برای اعمال ضمانت اجرا نسبت به طرفی که تکلیف نگهداری و ارائه اطلاعات و اسناد را نادیده گرفته است، معیار سه گانه‌ای را در نظر

1. inherent powers



می‌گیرند: «الف) میزان تقصیر طرفی که دلایل را تغییر داده یا نابود کرده است؛ ب) میزان ضرر و زیانی که به طرف مقابل وارد شده است؛ ج) آیا مجازات سبکی وجود دارد که از بی‌عدالتی عمده نسبت به طرف مقابل جلوگیری کند و مانع چنین اعمالی توسط سایرین در آینده شود» [۲۲]. بنابراین در تعیین ضمانت اجرای متناسب و شدت و حدت آن میزان تقصیر و تعدد اهمیت بسزایی دارد. در جایی که طرف دعوا از حفظ و ارائه به‌موقع اسناد غفلتاً و به صورت غیرعمد خودداری می‌کند ضمانت اجراهای با شدت کم‌تر اعمال می‌شود؛ در حالی که سخت‌ترین مجازات‌ها مثل رد دعوا یا حکم غیابی به قابل سرزنش‌ترین اقدام اختصاص می‌یابد [۱۸، ص ۹۴-۹۵]. در نظام حقوقی آمریکا میزان ضرر و زیانی هم که به طرف مقابل وارد می‌شود در تعیین نوع ضمانت اجرا اهمیت زیادی دارد؛ به گونه‌ای که طرف خواستار ضمانت اجرا باید ثابت کند که عدم ارائه یا نابودی اسناد الکترونیکی، به نحو قابل ملاحظه‌ای باعث صدمه و ضرر وی شده است [۲۳].

در حقوق ایران تنها ضمانت اجرایی که نسبت به امتناع از افشا و ارائه سند اعمال می‌شود قرینه مثبتة دانستن آن به نفع طرفی است که درخواست افشا کرده است. لذا در صورتی که طرف دعوا از دستور دادگاه مبنی بر افشای سند الکترونیکی سرپیچی کند، دادگاه می‌تواند آن را از جمله قرائن مثبتة بدانند (مستنبط از مواد ۲۰۹ و ۲۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی). قرینه مثبتة با توجه به شرایط پرونده نهایتاً می‌تواند تشکیل‌دهنده اماره قضایی باشد [۳، ص ۱۰۱؛ ۲۴؛ ۲۵]. این ضمانت اجرا بسیار ضعیف، غیرمؤثر و ناکافی به نظر می‌رسد؛ زیرا اگر دارنده سند الکترونیکی در موقعیتی قرار گیرد که به جای افشای سندی که به ضرر او است، اماره‌ای قضایی علیه او ایجاد شود، با توجه به ارزش اثباتی محدود و اندک اماره قضایی در مقایسه با سند، به احتمال بسیار ترجیح می‌دهد با اماره‌ای علیه خود مواجه شود. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود قانونگذار ایران با توجه به راه‌حل‌های موجود در نظام‌های دیگر، ضمانت اجرای شدیدتر و مناسب‌تری در قانون برای امتناع در نظر بگیرد و یا به سان حقوق آمریکا، نوع

ضمانت اجرا را به دادرس واگذار کند تا وی متناسب با عمل انجام شده، طرف ممتنع را مجازات کند.

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به مباحث ارائه شده در پژوهش حاضر، مطالب زیر را به‌عنوان نتیجه می‌توان ذکر کرد:

- در صورتی که اسناد الکترونیکی مورد استناد در اختیار و کنترل طرف مقابل باشند، مدعی می‌تواند افشای آن‌ها را درخواست کند. سازوکار این نوع از افشا در کشورهای آمریکا و انگلیس به صورت کاملی مورد شرح، تفصیل و قانونگذاری قرار گرفته است. در این کشورها تکلیف افشای اسناد در رابطه با دعوا و دادگاه مطرح می‌شود و طرفین دعوا مکلف هستند بعد از شروع دعوا و یا پیش‌بینی منطقی یک دعوا، اسناد الکترونیکی مربوط به آن دعوا را به طور کامل حفظ و نگهداری کرده، ضمن همکاری و توافق با طرف مقابل، در پاسخ به درخواست وی آن‌ها را افشا و ارائه کنند.
- در حقوق ایران با این‌که اصل مسأله افشا و ارائه اسناد به طرف مقابل مورد پذیرش قرار گرفته، اما سازوکار قانونی آن، چه در اسناد کاغذی و چه به طریق اولی در اسناد الکترونیکی که جدیدتر هستند، هنوز ناقص و نارسا است. بر این اساس به قانونگذار توصیه می‌شود ضمن توجه به تفاوت‌های اسناد کاغذی و الکترونیکی، برای نحوه افشای اسناد الکترونیکی، مراحل افشا و مصادیق مورد افشا نظام جامعی را طراحی کند که متناسب با ویژگی‌های خاص این نوع اسناد باشد. بدیهی است که استفاده از تجربه‌های قانونی و قضایی کشورهای دیگر در این زمینه می‌تواند ما را در اتخاذ راه‌حل‌های مفید، منطقی و عادلانه کمک کند.
- در نظام حقوقی انگلیس و آمریکا برای تخلف و امتناع از افشای اسناد الکترونیکی، بسته به نوع عمل شخص خاطی، ضمانت‌اجراهای متنوع و شدیدی در نظر گرفته شده است؛ به گونه‌ای که اطراف دعوا نفع خود را در تبعیت از فرایند افشای



اسناد الکترونیکی می‌بینند. این در حالی است که در حقوق ایران ضمانت اجرای نابودی اسناد الکترونیکی و امتناع از افشای آن‌ها به سطح یک اماره قضایی فرو کاسته شده که به هیچ وجه کافی به نظر نمی‌رسد.

۶. منابع

- [۱] کاتوزیان، ناصر، *اثبات و دلیل اثبات*، ج ۲، چ ۴، تهران، میزان، ۱۳۸۵.
- [۲] غمامی، مجید و آذین، سید محمد، «نقش متقابل دادرس و اصحاب دعوا در اثبات و ارزیابی امور موضوعی در دادرسی مدنی»، *فصلنامه حقوق دانشگاه تهران*، دوره ۳۹، ش ۲، ۱۳۸۸.
- [۳] _____، محسنی، حسن، *اصول آیین دادرسی مدنی فراملی*، میزان، ۱۳۸۶.
- [4] The Sedona Canada Principles Addressing Electronic Discovery, 2008, From: www.thesedonaconference.org/download-pub/71. (Last Visit: 9/8/2013).
- [5] Hartley, Trevor C., *International Commercial Litigation: Text, Cases and Material on Private International Law*, First Published, New York, Cambridge University Press, 2009.
- [6] Matthew, Paul and Malek, Hodgem M., *Disclosure*, 2nd Ed, London, Sweet & Maxwell, 2009.
- [7] U.K. Practice Direction 31B on Disclosure of Electronic Document, 2010, From: https://www.justice.gov.uk/courts/procedure-rules/civil/pdf/practice-directions/pd_part31b.pdf. (Last Visit: 11/1/2014).
- [8] Hrycko, Oleh and Rothman, Chuck, *Electronic Discovery in Canada: Best Practice and Guidelines*, 2nd Ed, Toronto, CCH Canadian Limited, 2009.
- [9] Marcheis, Chiara Besso, Litigant' Duty to Disclose, 2008, From:

http://www.italianacademy.columbia.edu/publications/working_papers/2007_2008/paper_sp08_Marcheis.pdf, (Last Visit: 10/2/2014).

[10] U.S. Federal Rules of Civil procedure, 2013, From: <http://www.uscourts.gov/uscourts/rules/civil-procedure.pdf>, (Last Visit: 25/2/2014).

[۱۱] سلطانی، محمد، «ادله الکترونیکی و اثبات دعوا در معاملات برخط اوراق بهادار و دریافت تلفنی سفارشات»، فصلنامه بورس اوراق بهادار، ش ۱۳، ۱۳۹۰.

[۱۲] دویلفون، زویه لینان، حقوق تجارت الکترونیک: همراه با تحلیل قانون تجارت الکترونیکی ایران، ترجمه و تحقیق ستار زر کلام، چ ۲، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰.

[۱۳] محمدی، سام و میری، محبوبه، «بررسی تطبیقی ارائه ادله الکترونیک در دادگاه؛ اشکال و اعتبار آن»، نامه مفید، ش ۲، ۱۳۸۸.

[14] Ward, Burke T., Sipior, Janice C., Hopkins, Jamie P., Purwin, Carolyn and Volonino, Linda, «Electronic Discovery: Rules for a Digital Age», *Boston University Journal of Science and Technology Law*, Vol. 18, No. 150. 2012.

[15] Hebl, Andrew, «Spoliation of Electronically stored Information, Good Faith, and Rule 37(e)», *Northern Illinois University Law Review*, Vol. 29, No. 51. 2008.

[16] Beisner, John H., «Discovery a Better Way: The Need for Effective Civil Litigation Reform», *Duke Law Journal*, Vol. 60, Issue. 3, 2010.

[17] Burns, Emily, Galloway, Michelle Greer and Gross, Jeffrey, «E-Discovery: One Year of the Amended Federal Rules of Civil Procedure», *New York Law Review*, Vol. 64, 2008.

[18] Scheindlin, Shira A. and Wangkeo, Kanchana, «Electronic Discovery Sanction in the Twenty-first Century», *Michigan Telecommunications and Technology Law Review*, Vol. 11, 2004.

- [19] Andrews, Neil, *English Civil Procedure: Fundamentals of the New Civil Justice System*, New York, Oxford University Press, 2003.
- [20] Hjort, Maria Astrup, «Electronic Evidence in Control of and Adversely Affecting the Opposing Party: A Comparative Study of English and Norwegian Law», *Digital Evidence and Electronic Signature*, Vol. 8, 2011.
- [21] Hodgman, Daniel Renwick, «A Port in the Storm?: The Problematic and Shallow Safe Harbor for Electronic Discovery», *Northwestern University Law Review*, Vol. 101, No.1, 2007.
- [22] Crist, Maria Perez, «Preserving the Duty to Preserve: The Increasing Vulnerability of Electronic Information», *South Carolina Law Review*, Vol. 58, 2006.
- [23] The Sedona Principles: Best Practices Recommendations & Principles for Addressing Electronic Document Production, Second Edition, 2007, From: [www.sos.mt.gov/ Records/ committees /erim_resources/A - Sedona PrinciplesSecond Edition.pdf](http://www.sos.mt.gov/Records/committees/erim_resources/A-SedonaPrinciplesSecondEdition.pdf), (Last Visit: 18/4/2014).

[۲۴] شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، ج ۳، چ ۱۸، تهران، دراک، ۱۳۸۹.

[۲۵] مهاجری، علی، مبسوط در آیین دادرسی مدنی، ج ۲، چ ۲، تهران، فکرسازان،

۱۳۸۹.